

بهترین روز آقای مدیر کجا سپری شد؟

جهان قاعده‌مند آفریده شده است. هر ملتی که این قوانین را شناخت و پایبندی نشان داد، به اندازه پایبندی‌اش، اقتدار پیدا می‌کند، اما اگر نشناسد یا ملتزم نباشد، نسخه ضعف خود را پیچیده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد ایمانی در یادداشتی نوشت: جهان قاعده‌مند آفریده شده است. هر ملتی که این قوانین را شناخت و پایبندی نشان داد، به اندازه پایبندی‌اش، اقتدار پیدا می‌کند، اما اگر نشناسد یا ملتزم نباشد، نسخه ضعف خود را پیچیده است. چنان که امیر مومنان(ع) فرمود «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ يَوْ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالٍ عَلَيْهِ. دانش، چیرگی و تسلط است، هرکس آن را بیابد، با آن حمله کند و پیروز شود، و هر کس، آن را نیابد، بر او حمله کنند و مغلوب گردد». یک مراد از دانایی، دسترسی به فنون است؛ اما معنای بالاتر، آگاهی نسبت به سنت‌های جاری در زندگی بشر است. ملت‌هایی که زحمت قناعت و تلاش و تولید قدرت را به جان خریدند، توانستند سیادت پیدا کنند و آنها که به این قاعده پشت کردند، خسارت‌های بزرگی را به جان خریدند.

نمونه این قاعده‌مندی را می‌توان در منطق «حمایت از تولید و تامین منابع قدرت ملی» و در مقابل توهمی که ادعا می‌کرد با خام‌فروشی، قدرت‌فروشی و واگذاری منابع قدرت ملی می‌توان به اقتصاد رونق داد و ثبات خرید و از بیگانگان، تضمین امنیتی گرفت! نمونه نسخه منحن، رویکرد وابسته حکومت پهلوی و برخی حکومت‌های مرتجع منطقه است. وضعیتی به غایت تحقیرآمیز که در فرآیند آن، سفیر آمریکا می‌توانست به شاه ایران دیکته کند، یا دولتمرد آمریکایی، رژیم سعودی را «گاو شیرده» بخواند و مباحثات کند که توانسته ۴۵۰ میلیارد دلار قرارداد فروش اسلحه و... به آن دولت تحمیل کند!

با توهم «فروش منابع قدرت و کامیابی و آسایش‌طلبی از طریق آن» بود که برخی مدیران خوش بین به غرب وانمود کردند همه مشکلات کشور- از آب خوردن تا آلودگی هوا و محیط‌زیست و تولید و اشتغال- با یک توافق با آمریکا (و سپس ادعای برجام ۲ و ۳) حل می‌شود. طبق این تخیل مسموم و نفوذزده، می‌شد تولید ملی را تعطیل یا تضعیف کرد، خودکفایی گندم را زیر سؤال برد، به نساختن مسکن ظرف پنج سال و انباشت تقاضای شش میلیون واحد مسکونی افتخار کرد، پالایشگاه‌سازی را «کثافت‌کاری» و نیروگاه‌سازی را «رفتن زیر بار مافیای نیروگاه‌سازی» خواند، و با این همه، صرفاً با فروش نفت خام و انجام واردات، به اقتصاد رونق بخشید! فرآیند برجام بدین معنا، کارکرد قرص روانگردانی را داشت که بر حسب ظاهر و در کوتاه‌مدت، حال کاربر را «توپ» می‌کرد؛ اما در میان‌مدت، تاثیرات ویرانگر خود را آشکار می‌ساخت. بدترین رکوردهای اقتصادی میراث همین دوره است.

در این رویکرد وارونه، می‌شد ۶۰ میلیارد دلار از ذخائر کمیاب ارزی را در اوج دوران تحریم حراج کرد و سپس زانوی غم در بغل گرفت و از زبان رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت: «الان در شرایطی هستیم که این بی‌انصاف‌ها و دژخیمان حتی برای غذا و دارو، اجازه فروش یک قطره نفت را نمی‌دهند و اگر هم به فروش می‌رسد، امکان تبادل مالی نباشد». چرا با وجود توافق، تحریم‌ها در پس‌برجام دو برابر شد و دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان، متفقا پای تحریم‌های ویزا، آسیا، سسادا و کاتسا را در پس‌برجام امضا کردند؟ چون جریان خطرناک نفوذ، به برخی سیاستمداران القا کرده بود با واگذاری منابع قدرت، می‌شود به رونق اقتصادی گره جنوبی و ژاپن و آلمان رسید؛ و حال آن که مثلاً آلمان و ژاپن، هشتمین و نهمین کشور اول دنیا در حوزه بودجه نظامی بودند. آلمان همین امسال هم در اوج بحران اقتصادی، ۱۰۰ میلیارد یوروی دیگر به توسعه توانمندی‌های نظامی اختصاص داد.

از باب قاعده «الزموهم بما الزمو انفسهم»، باید به غربگرایان توجه داد که رشد اقتصادی چشمگیر گره جنوبی، مدیون سختگیری‌های اقتصادی است، که غربگرایان در ایران، خلاف آن را به اجرا گذاشتند. به عنوان نمونه، می‌توان بخش‌هایی از درکتاب «نیکوکاران نابکار» به قلم پروفیسور «هاجون چنگ» استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کمبریج را مرور کرد: «صادرات کره جنوبی در دهه ۱۹۵۰، تنگستن و ماهی بود و شرکت سامسونگ، ماهی و سبزیجات و میوه صادر می‌کرد... در دهه ۱۹۷۰، برنامه ایجاد صنایع سنگین در دستور کار قرار گرفت. در مدارس به ما می‌آموختند که وظیفه میهنی ما حکم می‌کند کسانی را که سیگار خارجی می‌کشند، گزارش کنیم... ارز به راستی، خون و عرق پیشانی سربازان صنعتی ما بود که در کارخانه‌ها دست‌اندرکار جنگ صنعتی بودند. کسانی که با خریدهای بیهوده مانند سیگار قاچاق، ارز را هدر می‌دادند، خائن به شمار می‌رفتند. پدر دوستی که به خانه‌اش رفته بودیم و سیگار می‌کشید، به عنوان فرد غیرمیهن‌پرست و بی‌اخلاق- اگر نه تبهکار- آماج حملات زهرآگین قرار می‌گرفت.

شدیدا از هزینه کردن ارز در موارد غیر ضرور ممانعت می‌شد. این کار از طریق اعمال ممنوعیت‌های وارداتی و تعرفه و عوارض سنگین گمرکی برای کالاهای تجملی صورت می‌گرفت. سفرهای خارجی جز با مجوز معامله تجاری یا تحصیل ممنوع شد... گره که حالا صادرکننده خودرو و گوشی‌های شیک در دنیاست، دهه‌ها برخلاف منطق تجارت آزاد جهانی، از حمایت‌های تعرفه‌ای و یارانه‌ای برای تقویت بخش خصوصی استفاده کرد تا صنایع بتوانند در برابر رقابت بین‌المللی دوام بیاورند. دولت روی ارز کمیاب، کنترل مطلق اعمال کرد و تخلف از آن، می‌توانست مجازات مرگ در پی داشته باشد... ژاپن زمانی خودروی بنجل تولید می‌کرد و با شکست روبه‌رو شد. بسیاری گفتند این شرکت باید به همان تولید ماشین‌های ساده نساجی و ابریشم برگردد و بعد ۲۵ سال ناتوانی، تولید خودرو را رها کند. اما دیگران گفتند هیچ کشوری بدون ایجاد صنایع مهم به جایی نرسیده. حالا همان تویوتا نه تنها از ورشکستگی درآمده، بلکه برند لکسوس را در دنیا تولید می‌کند».

خداوند، راحت‌طلبی و تن‌آسانی و زندگی بدون خطرپذیری و مجاهدت را برای انبیا و اولیای برگزیده خود نپسندید؛ چه رسد به دیگران. امیر مومنان(ع) در خطبه قاصعه بیان می‌کند «اگر خداوند اجازه تکبر ورزیدن را به فردی از بندگانش می‌داد، همانا رخصت آن را به پیامبران و اولیای خاص خود می‌داد، ولی خداوند سبحان، کبر ورزیدن را بر آنان روا نداشت... آنها را به گرسنگی امتحان کرد، و به رنج و سختی مبتلا نمود.

با امور وحشتناک آزمود، و با ناگواری‌ها، خالص‌شان کرد... اگر خداوند پاک به وقت بعثت پیامبران خود، می‌خواست که گنجینه‌های طلا، و باغ‌های سرسبز را به روی آنان بگشاید، و پرندگان آسمان، و جانوران زمین را همراه آنان کند، چنین می‌کرد، اما در این صورت، جایی برای ابتلا و امتحان باقی نمی‌ماند، و اجر و پاداش باطل می‌شد، و برای قبول‌کنندگان دعوت انبیا، ثواب مبتلایان به رنج و سختی واجب نمی‌شد... اگر پیامبران، دارای قدرتی بودند که کسی را توان معارضه با آنان نبود، و دارای عزتی که مغلوب کسی نمی‌شدند، و شوکت‌شان به گونه‌ای بود که گردن‌های مردمان به سوی آن کشیده می‌شد، و مردم برای تماشای بزرگی‌شان بار سفر می‌بستند، اعتبار و ارزش‌شان در میان مردم اندک بود، و متکبران در برابرشان سر فرود می‌آوردند، و تظاهر به ایمان می‌کردند، از روی ترس یا علاقه¹؛ ای که به مادیات داشتند. در آن صورت، نیّت²‌های خالص یافت نمی‌شد، و افراد با انگیزه³‌های گوناگون به سوی نیکی⁴‌ها می⁵‌شتافتند. اماّ خدای سبحان اراده فرمود که پیروی از پیامبران، و تصدیق کتب آسمانی، و اطاعت محض، با نیّت خالص، تنها برای خدا صورت پذیرد؛ که آزمایش و مشکلات، هر قدر بزرگ‌تر باشد، ثواب و پاداش آن نیز بزرگ‌تر خواهد بود.

دنیا عرصه تراحمات و کامیابی‌ها و ناکامی‌هاست. جزو سنت‌های الهی این است که ایام موفقیت را میان دوستان و دشمنان بگردانند. چنان که فرمود «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ... اگر به شما آسیب و جراحتی رسید، به آن جمعیت دشمن نیز آسیب و جراحتی همانند آن وارد شد. و ما این ایام (پیروزی و ناکامی) را در میان مردم می‌گردانیم؛ تا خداوند، افرادی را که ایمان آورده‌اند، معلوم کند و از میان شما، گواهانی بگیرد... آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید، در حالی که خداوند هنوز جهادگران و شکیبایان شما را معلوم نکرده است؟». و نیز فرمود «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ. إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ. و در تعقیب دشمن سستی نورزید؛ اگر شما رنج و دردی می‌بینید، آنان نیز مانند شما در رنج و درد می‌افتند، و شما امیدوی را به خداوند دارید که آنان ندارند».

یک معیار سنجش درستی عملکرد مدیریت‌ها، میزان خشم و ناراحتی دشمن است. امکان ندارد جبهه خودی، طراحی راهبردی موثری انجام دهد، و غیظ و کارشکنی و تهدید و تحریم و ترور دشمن را برنیزد. خطای محاسبه بزرگی بود که کسانی تصور کردند دشمنی دشمن، پایان‌پذیر است و با کوتاه آمدن، می‌شود دل او را نرم کرد. سنت الهی بر این منطق استوار است که موفقیت و پیشرفت‌ها، در مجاهدت مقابل دشمن اتفاق بیفتد؛ چنان که در سوره توبه فرمود: «... هیچ تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها (مومنان) نمی‌رسد و هیچ قدمی در جایی که کفار را خشمگین کند نمی‌گذارند، و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود. خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند».

فرق می‌کند که وقتی از یک مدیر بپرسید بهترین ایام عمرش، کجا سپری‌شده، آدرس سفرهای اشرافی و اقامت در بهترین هتل‌ها و بهره‌مندی از امتیازات ویژه را به یاد بیاورد، یا سخت‌ترین ساعات خدمتگزاری در برابر تهاجم بی‌وقفه دشمن را. آتش جنگ با مزدوران نیابتی آمریکا در منطقه بوکمال در مرز سوریه و عراق، همچنان شعله‌ور بود که رزمندگان خط مقدم، سردار سلیمانی را در میان خود یافتند. حاج قاسم، آن روز درباره بهترین روزهای عمر خود گفت: «یک وقت ما در کربلای پنج مشترک بودیم با این مرد بزرگ (اشاره به یکی از همراهان) و بعض از برادران دیگر که همراه ایشان بودند».

آن روز در کانال ماهیگیری، توی یک کانالی بودیم؛ تنگِ تنگ، ولی پر از جنازه. سر را نمی‌شد بالا بیاوری. شاید سخت‌ترین روزهای عمر من، آن روزها و اتفاقات بعدی بود. تمام شد. درسته؟ هیچ آثاری از آن سختی وجود ندارد. اگر از من بپرسند بهترین روز عمر تو کی بوده (بُغض حاج قاسم)، می‌گویم آن روزی که در کانال ماهیگیری بودم. اگر از یک آزاده و اسیر بپرسند، بگویند بهترین روز عمر تو کی بوده؟ می‌گویند آن روزی که من را به عشق امام شلاق می‌زدند؛ نه روز ازدواجم. این روزها مثل همان روزهاست. از آن استفاده کنید».

منبع: کیهان